

سیهای لسان الغیب

کامل ترین دیوان حافظ

شامل: اماکن - فرهنگ لغات و کشف الایات

همراه با شرح تفأل تطبیقی

حافظ و مولانا

آفرینش

مقدمه، تصحیح و شرح تفأل

استاد سید محمد برهان

به کوشش محمد فتحی



چاپ و انتشارات آفرینش

انتشارات آفرینش

۱۳۹۶

سرشناسه : برهانی، سید محمد، ۱۳۳۱
 عنوان قراردادی : دیوان - شرح
 عنوان و پدیدآور : سیمای لسان الغیب: تفأل تطبیقی
 حافظ و مولانا / سید محمد برهانی
 مشخصات نشر : تهران، آفرینش، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری : ۸۰۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۵-۰۵۴-۲
 وضع تفهرست نویسی : فیبا
 نوع : حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ ق. - فالگیری
 موضوع : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. - فالگیری
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۷ ق - تاریخ و نقد
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۸ ق - تاریخ و نقد
 شناسه نشریه : حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ ق. - دیوان - شرح
 رده بندی : ۱۳۹۳ / ۳۸ / ۵۴۳۵ PIR
 رده بندی دیویمی : ۴۳۲
 شماره کتابخانه ملی : ۴۳۶



انتشارات آفرینش (پ ش ۵۰۵) همکاری انتشارات نگاه

سیمای لسان الغیب / تفأل تطبیقی / حافظ - مولانا آفرینش

فارسی - انگلیسی - فرانسه

شرح تفأل از استاد سید محمد برهانی

به کوشش: محمد فتحی

مدیر فنی و ناظر چاپ: فرزاد فتحی

طرح جلد: علیرضا مالکی / حروفچینی: شهلا معمارزاده / صفحه بندی نهایی: علی بیگلری

لیتوگرافی: فرانکش / چاپ: الوان / صحافی: حیدری

چاپ نخست ۱۳۹۶ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک ۲-۵۴-۱۳۵-۶۰۰-۹۷۸ ISBN 978-600-135-054-2

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

فروش الکترونیکی کتابهای انتشارات آفرینش در سایت www.lketab.com

Email:afarinsh_publication@yahoo.com

تهران - میدان امام حسین (ع) - خیابان ۱۷ شهریور - پایین تر از چهارراه صفا - پلاک ۱۷۳۴
 تلفن ۲-۷۷۵۳۸۵۳۱، ۹ تا ۷۷۶۵۲۷۳۷-۷۷۶۵۰۲۳۲-۷۷۶۵۰۳۷۰

تلفکس ۷۷۵۳۸۵۳۱

مرکز فروش: انتشارات آفرینش - انتشارات نگاه ۶۶۴۹۷۵۷۱۱

قیمت: ۵۶۰۰۰ تومان

قیمت فارسی، انگلیسی، فرانسه ۹۲۰۰۰ تومان

قیمت قاب جداگانه ۱۲۰۰۰ تومان

عناوین

هفت	سخن ناشر
نه	مقدمه

بخش اول:

۱	غزلیات
---	--------------

بخش دوم:

۵۷۹	قصاید - مثنوی ها - ساقی نامه - رباعیات
-----	--

بخش سوم:

۶۱۷	مخمس - ترکیب بند - ترجیع - زردات - معماها - هجو
-----	---

بخش چهارم:

۶۲۹	اشعار پراکنده
-----	---------------------

بخش پنجم:

۶۳۹	اعلام و اماکن
-----	---------------------

بخش ششم:

۶۹۹	فرهنگ لغات
-----	------------------

بخش هفتم:

۷۴۷	کشف الایات
-----	------------------

بخش هشتم:

۷۵۵	فهرست تفصیلی
-----	--------------------

۷۸۱	منابع و مآخذ
-----	--------------------

بخش جدا گانه: انگلیسی، فرانسه

1-342

343-416

HAFEZ ENGLISH

HAFEZ FRANÇAIS

به نام خدا

سخن ناشر

فرهنگ و ادب ایران رمیز از زیبایی‌های خاصی برخوردار است و افتخار سرشار کشور ما در ارتباط تنگاتنگ ادیبان و اندیشمندان برجسته‌ی آن در طول تاریخ است، اهل معنی و ژرف اندیشان فرزانه افرادی هستند که در راه رشد و کمال همواره ساعی بوده و از آثار آن‌ها همگان بهره‌مندند، مولانا و حافظ دو فرهیخته‌ی ادب ایران و جهان هستند، دو انسان عاشق و فرزانه با استفاده از فرهنگ اسلام چون ستاره‌ای درخشان، آسمان ادبیات جهان را منور ساخته‌اند، مثنوی را قرآن عجم نامیده‌اند و حافظ خود نیز می‌گوید هر چه کردم همه از دهن قرآن کردم لذا دو کتاب مثنوی معنوی و دیوان حافظ هر کدام راهگشای انسان برای رسیدن به کمال می‌باشد و به خصوص برای نسل جوان ما یک ضرورت است لذا از استاد برهانی که سال‌های متمادی عمر خود را جهت تعلیم و تدریس ادبیات مثنوی مولانا جلال الدین و دیوان حافظ گذرانده بود درخواست کردیم تا تفأل اشعار گهربار حافظ را از نگاه مولانا بنویسند تا علاوه بر زیبایی هنر دو فرزانه‌ی فرهیخته، پاسخگوی نیازهای علاقمندان و عاشقان به غزلیات حافظ نیز باشد.

با توجه به مهارت استاد در زبانهای انگلیسی و فرانسه تعداد ۴۹۵ غزل حافظ به زبان انگلیسی و ۱۲۴ غزل به فرانسه در این اثر وزین آمده است.

این کتاب در نوع خود برای اولین بار است که به نگارش در آمده و اشعار دیوان حافظ با توجه به محتوای آن با ابیات مثنوی انطباق داده شده و هر کجا که مناسبتی پیش آمده از اشعار شاعران دیگر در متن تفأل بهره برده شده است، انتشارات آفرینش این افتخار را دارد که همواره در جهت اشاعه‌ی فرهنگ و ادب ایران و آنا یشدن سترگ ادیبان کوشا و ساعی باشد.

آرزوی ما منصفیت اساتید محترم و ادب دوستانی است که قلم و همت آنها علاقمندان به علم و ادب را مسرور می‌سازد.

محمد فتحی

مدیر انتشارات آفرینش

مقدمه

ماه غزل سراي فرهیخته ایران زمین

بدون تردید ادیبان دیوان حافظ و غزل‌های زیبای این شاعر فرزانه، جاودانگی شاهکار اوست و در واقع عده نبرین ویژگی یک شاهکار ادبی و یک اثر سترگ این است که گذر زمان و عبور سال‌ها و قرن‌ها، در طول تاریخ از ارزش و عظمت آن نمی‌کاهد و بلکه با گذشت فراز و نشیب‌ها و حوادث روزگار در برابر شرایط اجتماعی بر شوکت و اعتبار آن افزوده می‌شود. غزلیات حافظ به زیبایی قادر است در هر دوره‌ای با شرایط اجتماعی و فرهنگی پیوند عمیق با اندیشه و بینش انسان برقرار نماید و در بستر رموز پیام حافظ قدرت و اعتبار شگفتی ایجاد گردیده که تحول زمان در نابود ساختن این اثر سترگ هرگز سائیر نخواهد داشت، راز ماندگاری آثار بزرگ ادبی چون شاهنامه - منطق الطیر - مثنوی معنوی - گلستان و بوستان و دیوان حافظ و غیره در همین پیام قدرتمند و اعتبار شگفت می‌باشد.

امروزه با ظهور و پیدایش نظریات محققانه و کاوشگران تحلیل ادبی باید از منظرهای گسترده‌تری به مجموعه‌ی ادبیات ایران خاصه دیوان حافظ نگریست، هر چند که تلاش‌های زیادی در این مورد صورت گرفته که از جایگاه ارزشمندی برخوردار است اگر چه ادبیات و فرهنگ هر کشوری و بلکه هر شهری و منطقه‌ای

ویژگی‌های خاص خود را داراست که به همان منطقه و سرزمین نوعی هویت و اصالت خاص خود را می‌بخشد لذا بر عهده‌ی همه‌ی ماست که ضمن استفاده و بهره‌مندی از فضای زیبای آثار ادبی و عرفانی نقاط مختلف سرزمین خود از اندیشه و پیام خالق آن بخوبی استفاده کنیم.

در غزلیات حافظ شخصیت‌های مختلفی مطرح می‌شوند مانند پیرمغان - زاهد محتسب - عاشق - عارف - سالک و حتی رند و غیره....

گاه حافظ سخن از مدعی در اشعار خود می‌گوید.

مدعی راست که آید به تماشاچه راز دست غیب آمد و برسینای نامحرم زد
مدعی نامحرم است و در واقع نه تنها از پیام و اندیشه امثال حافظ نمی‌تواند استفاده کند زیرا که استعداد لازم را ندارد و محرم اسرار نیست بلکه توانایی درک هنر حافظ را ندارد، این افراد که برطه‌ی حسادت و دشمنی با رندی و فضای عشق حافظ را دارند، باید بدانند که گوهر کلا و هنر ادبی خود می‌درخشد.

حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود مدعی نزاع و محافه چه حاجت است

«دیوان حافظ»

البته که هنر خود آشکار می‌گردد و در تاریخ جاودانگی خود را حفظ می‌سازد. برخورد حافظ با مدعیان همه جا یکسان نیست و چه بسا جاهل و عدم آگاهی این افراد را حافظ عیان می‌سازد.

حافظ بپر تو گوی فصاحت که مدعی هیچش هنر نبود خبر نداد

«دیوان حافظ»

حافظ از ارزش سخن و پیام خود آگاه است و جایگاه اشعار و غزلیات خود را بر فراز آسمان‌ها می‌بیند.

غزل گفتی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را
و در فضای عرفانی قدرت پیام رسانی او کاملاً محسوس و چشمگیر است.

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
 جلوه‌ای کرد زخت دید ملک عشق نداشت عین غیرت شد از این آتش و بر آدم زد
 عقل می‌خواست کز آن شعله چراغ افروزد برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد

حافظ لسان الغیب است و برخوردار از رازهای الهی و به زیبایی می‌داند که نکته‌های ظریف و رموز عشق را نمی‌توان در هر زمان و مکانی و در نزد هر کسی بیان کرد. چه بسا هستند افرادی که خود ادعای معرفت و عرفان دارند اما بیگانه هستند.

باه می‌گویند اسرار عشق و مستی تابن خبر بمیرد در عین خود پرستی
 این مدعیان کسانی هستند که می‌خواهند به اسرار میان عاشق و معشوق پی برده و از آن رموز آگاه گردند در حالی که یک رابطه طولی میان حقیقت هستی و اسرار عاشقان و پویندگان را عشق وجود دارد که بیگانگان را بر آن راهی نیست.

رند در اشعار حافظ یک شخصیت مثبت است که در برابر مدعی قرار می‌گیرد و در واقع مدعی صوفی ریاکار است که با رند و کرامات و ارزش‌های عرفان رند مخالف است. حافظ از پیام‌های عرفا بهره جسته و گاهی زیباتر از آنها پیام رسانی می‌کند. هنگامی که شاه نعمت اله ولی آن صوفی و عارف برجسته و فرزانه می‌سراید
 ماخلک را به نظر گیمیا کنیم بدرد را به گوشه‌ی چشمی دوا کنیم
 چقدر زیبا حافظ می‌سراید:

آنان که خاک را به نظر گیمیا کنند آیا بود به گوشه‌ی چشم به ما کنند
 اگر در مجموعه پیام و اندیشه عرفانی حافظ نظر کنیم سنگینه‌های درخشان و فضای سبزی را خواهیم دید که قلب و روح انسان را نشاط می‌بخشد و جان انسان را آبیاری می‌کند و همین زیبایی و شگفتی عامل و باعث تفاعل از اشعار حافظ می‌باشد. اصل وجود تفاعل در شرع و ادبیات مذهبی از کلام معصوم بیان نگردیده لکن قدرت شعری و پیام اتصال بامعشوق راستین در شعر حافظ آن چنان زیبا و پرمحتواست که نه تنها اشخاص عادی بلکه بزرگانی چون مرحوم مدرس صاحب ریحانة الادب و

علامه حاج ملاهادی سبزواری و علامه سید محمد حسین طباطبایی و غیره در شرح حال آن‌ها آمده که چگونه از اشعار حافظ استفاده کرده و با تفأل بر حافظ راه خود را در تصمیم‌گیری و انتخاب مسیر برگزیده‌اند. مرحوم مدرس صاحب کتاب ریحانة الادب^(۱) در خاطرات خود می‌نویسد، همواره از حافظ دفاع می‌کردم و او را محترم می‌شمردم و ارادت من نسبت به حافظ بسیار گسترده بود، روزی مقاله‌ای در رد حافظ به دست من رسید که در آن حافظ را منکر معاد و ملحد نامیده بودند با خود اندیشید که پاسخ این مقاله را بدهم و با دشمنان حافظ مقابله کنم لکن لحظه‌ای به فکر افتادم که آیا به راستی باید دفاع کنم لذا برای پاسخ خود به حافظ مراجعه کردم و تفأل نمودم و پاسخ خود را این چنین گرفتم.

عیب رندان مکن ای راهب بیز سرشت که گناه دگران بر تو نخواستند نوشت

من اگر نیکم گرد تو بر سر زار من هر کسی آن درود عاقبت کار که بشت

مرحوم شیخ محمد علی مازندرانی گوید: همین که این غزل را خواندم ارادت من به حافظ بیشتر گردید و محکم در دفاع از او برخاستم.

در مورد مرحوم علامه طباطبایی در شرح حال او نوشته شده که ایشان آن هنگام که طلبه‌ی جوانی بود برای ادامه تحصیل و تحصیل علم به قم مشرف گردید و در همان زمان خود نیز به تدریس فلسفه و کلام پرداخت لکن از آنجا که فلسفه آموزش داده نمی‌شد و جمعی از علماء از آن جمله آیت الله بروجردی و بزرگ علماء آن زمان بود مخالف با آموزش فلسفه بود دستور داد تا شهریه‌ی آنجا که در جلسه آموزش فلسفه حاضر شوند قطع گردد، خبر به علامه طباطبایی رسید و ایشان مانده بودند که آیا به آموزش فلسفه و منطق ادامه دهد یا خیر زیرا که از شبهات مادیگرایان و نفوذ آن‌ها در میان جوانان نگران بود لذا به دیوان حافظ مراجعه می‌کند و از او مدد

۱- شیخ محمد علی مدرس ادیب و معلم عرفان و علوم قرآن بود و با مرحوم محمد تقی مدرس نماینده دوره رضا شاه که او نیز از افراد فرزانه و فرهیخته می‌باشد فرق می‌کند

می‌خواهد و این غزل می‌آید.

من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم محتسب داند که من این کارها کمتر کنم
من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست کن طمع در گردش گردون دون پرور کنم

علامه طباطبائی پس از خواندن این غزل راه خود را ادامه می‌دهد و بعدها مرحوم آیت اله بروجردی که توانمندی ایشان را می‌بیند و به استعداد او پی می‌برد موافقت خود را با ادامه‌ی آموزش فلسفه نشان می‌دهد و امروزه به برکت همان همت عالی فلسفه در میان حوزه‌های علمیه تدریس می‌گردد. نکته‌ی جالب اینجاست که مرحوم علامه طباطبائی با علوم قرآنی آشنا بوده و تفسیر المیزان که یکی از زیباترین تفاسیر جهان اسلام و به خصوص تشیع است از ایشان می‌باشد لکن مقبولیت اشعار حافظ آن چنان است که با تفأل بر دیوان او راه خود را می‌یابد.

این قبیل موارد نشان می‌دهد که تفأل حافظ جایگاه قدرتمند خود را دارد و از آنجا که حافظ در بستر عرفان حقیقی بوده و اگر نگوئیم که تمامی اشعار او عارفانه است لکن قسمت اعظم دیوان او از نکات ظریف عشق و عرفان مزین گشته و بلکه بقول مرحوم استاد مطهری در کتاب تماشگاه راز همه اشعار حافظ عرفان است. در این کتاب سعی نموده‌ایم تا تفأل حافظ را در چارچوب بینش و نگرش عرفانی باز کنیم و از آن بهره ببریم، به واقعیت‌ها، گریز و از زهد و ریا و خود محوری دوری کنیم. از اشعار منثوی معنوی در تفسیر غزایات و نتیجه‌گیری پیام حافظ استفاده کرده‌اند.

بروای زاهد خود بین که ز چشم من و تو راز این پرده نهانست و نهان خواهد بود

حافظ قلندر عشق و اسرار است، این مرد بزرگ به سال ۷۲۷ هجری قمری در نویسندگان و به روایتی در اصفهان متولد گردید، پدرش کمال الدین او را محمد نام گذاشت، این کودک فرزانه در دامن مادری ژرف اندیش و پاکدامن تربیت گردید، پدر و مادر حافظ از افراد با فضیلت و فرهیخته‌ی زمان خود بودند و از آن جا که

درخت را از میوه و ثمره‌ی آن می‌شناسند، از حافظ کمال و ارزش‌های پدر و مادر او کاملاً محسوس است. مدت عمر حافظ حدود شصت و پنج سال بوده که در سال ۷۹۱ هجری قمری در شیراز بدورد حیات گفت، مرقد و آرامگاه این شاعر عزیز در شیراز به حافظیه شهرت دارد و زیارتگاه رندان ایران و جهان است.

شهرت حافظ جهانی است و از اقصاء نقاط عالم برای زیارت او می‌شتابند، همه ساله در مهرماه بزرگداشت این غزلسرای معروف ادب فارسی در شیراز برگزار می‌گردد که مورد استقبال حامی عاشقان و رهروان بستر عرفان می‌باشد، شمس الدین محمد از نام حافظ تخلص نموده و به حافظ معروف گردیده و این بمناسبت آشنایی و شناخت و معرفت او به حفظ قرآن می‌باشد. خود در این مورد به زیبایی می‌سراید:

عشق رسد به فریاد رخسار حافظ قرآن زبیر بخوانی با چارده روایت

روح پرفتوح این عاشق پرستنه و فرهیخته شاد باد و راهش چراغی روشن برای دوستان و رهروان عشق باشد. در بخش آخر کتاب اماکن و اعلام ابیات حافظ را مختصراً اشاره کرده‌ایم و در همین راستا کتاب اعلام مثنوی نیز بهره برده‌ایم.

در تهیه این کتاب از جناب آقای فتحی، مدیر انتشارات آفرینش قدردانی می‌کنم و سپاس زحمات ایشان را دارم. همچنین عزیزانی که هرکدام در جایگاه خود زحمت کشیده‌اند تشکر و قدردانی می‌گردد. از جناب آقای علی بروجرودی که دقا فراوان در رفع نقایص نموده و صفحه‌آرایی نهایی را برعهده ایشان از سرکار خانم شهلا معمارزاده در تایپ و همکاری سرکار خانم اعظم سرتیپی سپاسگزارم و توفیق روزافزون تمامی این عزیزان را از خداوند متان خواستارم.

سید محمد برهانی

آذرماه ۱۳۹۰ هـ ش